معرفی ونقد مقاله «بررسی تطبیقی استناد اختلاف قرائات به اجتهاد ای سنت»

دیروز فایلی را دیدم؛ مقالهای بود؛ ظاهراً مجلهای هست به نام پژوهش های تطبیقی در تفسیر؛ چهار پنج سال هم هست که آمده. دو فصل در سال بیرون میآید که در سال چهار نشریه از میآید. ای دو تا میآید. مثلاً بهار و تابستان با هم. نمیدانم. این مقاله در آن فایلش موجود است. شاید برای سال پنجم بود. سال نود و هشت. نمیدانم نویسنده آن آقای یوسفی است یا نه.

این مقاله از یک جهت برای من جالب بود. از یک جهت هم به یاد این عبارت افتادم. ایشان مقاله را دو بخش کردهاند. عنوانش این است: بررسی تطبیقی اینکه قرائات مبتنیبر اجتهاد قاریان بوده ای سنت بوده و بر سماع بوده؟ در بخش اول ایشان خوب به میدان میآید. صاحب البیان و بعد از شاگردشان در التمهید را حسابی نقد میکنند. میگویید که اینها درست نیست. واضح است. همینطور هم هست. بخش اول مقاله ایشان همین است. یعنی ایشان میگویند که نزد سابقین واضح بوده که قرائت سنت است. جلو اجتهاد را میگرفتند. اگر هم در یک جایی کسی می خواسته اجتهاد کند، آبرویش میرفت. اصلاً نمی ماسید. از او نمی پذیرفتند. نصف بیشتر مقاله این است.

قاعده «القرائه سنة» نزد سیبویه

حتی جملهای هم که نقل میکنند و من هم صفحهای برای آن ایجاد کردم، از الکتاب سیبویه نقل میکنند. سیبویه قرائتی را میگوید و بعد میگوید «إلاّ أنّ القراءة لا تُخالَف؛ لأنّ القراءة السُّنّة

[1]». یعنی حتی الکتاب سیبویه هم این را میآورد. «القرائه لاتخالف»؛ نمیشود با قرائت مخالفت کنی. چرا؟ چون سنت است. این یک چیزی است که شنیدهاند و برای ما میگویند. نیامده که بهخاطر قواعد نحوی و اجتهاد و لغت و.. است. ایشان این را از سیبویه نقل میکنند.

خب در بخش دوم چه میگویند؟ گفتهاند حالا که ثابت شد قرائات مبتنیبر اجتهاد نیست و مبتنیبر سنت و سماع است، حالا ببینیم آیا قرائات مبتنیبر یک سماع متواتر است؟ یا نه؟ آن جا هم ایشان میگویند اکثر علماء اهلسنت میگویند که قرائات متواتر نیست. خیلی عجیب! خب اینکه صاحب مفتاح بیان میکنند: «نقل الإمام الرازی اتفاق أکثر أصحابه علی ذلک»، یعنی چه؟ اتفاق اکثر اصحابه علی التواتر الیه ص. ایشان میگویید محققین میگویند اکثر علماء اهلسنت میگویند که قرائات متواتر نیست. میدانید ایشان اولین نفر اسم چه کسی را میبرد؟ ابن جزری! میگویید اولین نفر ابن جزری است. خب معروف هم هست. قبلاً هم بحث کردیم. چرا؟ چون ابن جزری گفته تواتر شرط نیست، بلکه سند صحیح کافی است. با این محکمی ایشان نصف دوم را میگویند. خیلی هم سریع. بعد میگویند خب اگر حالا تواتر کنار رفت...؛ قرائت به سماع است و سماع هم که متواتر نیست. پس قرآن چه شد؟ حجت چه شد؟ سه اشکال مطرح میکنند و

می‌گوید این‌ها اشکالات اتکاء قرائات به سماع غیر متواتر است. ایشان این‌طور ختم می‌کند.

خب ازاین‌جهت خوب است که ایشان در بخش اول این گام را برداشته که قرائت همین‌طور جزاف نبوده. قرائت حساب داشته و متکی به سماع بوده. بخش دوم که ایشان می‌گویند اکثر علماء دوباره تواتر را قبول ندانشتند، یک فضای جدیدی است. کجا اکثر علماء می‌گویند که قرائات متواتر نیست؟! حتی ابن جزری که شرطیت تواتر را برداشت، شاگردش نویری در شرح طیبه النشر محکم این را پس می‌زند. می‌گوید اصلاً از این حرف‌ها نزن؛ صحت سند یعنی چه؟ تواتر و تواتر و تواتر! بعد هم می‌گوید عشر متواتر است. یعنی همان چیزی که شهید اول فرمودهاند. همان چیزی که زرقانی گفت بعد از اینکه اطلاعات من وسیع شد فهمیدم عشر متواتر است. بی خودی که حرف نمی‌زنند. این حرف‌های اینها است.

منظور اینکه من این مقاله را تازه دیدم و این دو بخش را داشت. بخش اولش که آنطور بود. در بخش دومش هم این حرف عجیب را می‌زنند که اکثر علماء اهلسنت می‌گویند که متواتر نیست.

---

[1]الکتاب ج ۱ ص ۱۴۸

بازبینی #3
ایجاد شده 14 آوریل 2024 14:41:24 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 مه 2024 08:08:05 توسط ... .